

سه یا چهار عبارت تشکیل میدهد که به شرح معنی طرح موضوع ادامه میدهد. تزه‌های عمده رساله محتوی کلی رساله را مختصر بیان میکند که موضوع را شروع مینماید. گذار به بیان یعنی انتقال به بیان موضوع اصلی است. این چهار بخش یعنی آغاز بیان، میان بیان، پایان بیان و نتیجه قسمتهای عمده رساله و بخش میان بیان و زنه تمام رساله را تشکیل میدهد. چهار بخش اخیر، هر کدام مرکب بود از يك تز و يك آنتی تز. باین طریق مجموعاً هشت بند بوجود میآید. از اینجهت این نوع رساله‌ها را "رساله هشت بندی" مینامیدند. رفیق مائو سه دون به طرح منظم و متوالی يك موضوع در هشت بند اشاره میکند تا آنکه تجسمی از تکامل مراحل مختلف انقلاب بدست داده باشد. ولی عموماً از اصطلاح "رساله هشت بندی" بعنوان استعاره طنزآمیزی یاد میکنند که اشاره به دگماتیسم است.



## اعلامیه در باره اعلامیه چانکایشک

( ۲۸ دسامبر ۱۹۳۶ )

چانکایشک در سی ان مطالبات ژنرال جان سیوه لیان و ژنرال یان هو چن و همچنین مطالبات مردم شمال غربی را دایر بر مقاومت در برابر ژاپن پذیرفت و بعنوان نخستین اقدام به سپاهیان خود که درگیر جنگ داخلی بودند، فرمان داد که استانهای شنسی و گان سو را تخلیه کنند. این نشانه آغاز تغییری در سیاست اشتباه‌آمیز دهساله چانکایشک است (۱). این ضربه‌ای است بر دسایس امپریالیستهای ژاپنی و گروه "لشگرکشی کیفری" چینی (۲) که جنگ داخلی را می‌چرخاندند، تخم تفرقه و نفاق می‌پاشیدند و قصد داشتند چانکایشک را در حادثه سی ان بقتل برسانند. سرخوردی امپریالیستهای ژاپنی و گروه "لشگرکشی کیفری" چینی از هم اکنون کاملاً عیان گشته است. این بیداری چانکایشک را میتوان نشانه آن دانست که گومیندان مایل است از سیاست اشتباه‌آمیز ده ساله خود دست بردارد.

در ۲۶ دسامبر چانکایشک در لوه‌یان اعلامیه‌ای در باصطلاح «تویخ جان سیوه لیان و یان هو چن» منتشر ساخت. این اعلامیه باندازه‌ای مبهم و طفره‌آمیز است که فی‌الواقع در میان اسناد سیاسی چین نوشته جالبی را تشکیل میدهد. اگر چانکایشک واقعاً میخواهد از این حادثه عمیقاً درس بگیرد و بکوشد به گومیندان زندگی تازه بخشد، اگر میخواهد به سیاست

سنتی اشتباه‌آمیز سازش در امور خارجی و توسل به نیروی مسلح در داخل و سرکوب خلق پایان دهد و بدین‌طریق راهی در پیش پای گومیندان بگذارد که برخلاف تمایلات خلق نباشد، میبایست برای اثبات صداقت خود نوشته بهتری بدست میداد، نوشته‌ایکه در آن از خطاهای سیاسی گذشته خود اظهار پشیمانی میکرد و دورنمای جدیدی برای آینده میگشود. اعلامیه ۲۶ دسامبر نمیتواند به مطالبات توده‌های مردم چین پاسخ دهد.

معذلك يك قسمت از اعلامیه چانکایشك شایسته تمجید است، قسمتی که در آن گفته میشود: "باید به قول خود وفادار و مصمم به عمل بود". این بمعنای آنستکه چانکایشك با آنکه در سی ان شروط پیشنهادی جان سیوه لیان و یان هو چن را امضا نکرد، معذلك آماده است مطالباتی را که پاسخگوی منافع کشور و ملت است، بپذیرد و به بهانه اینکه امضائی نداده، از قول خود عدول نخواهد کرد. ما در آینده خواهیم دید که آیا چانکایشك پس از تخلیه سپاهیانش به قول خود وفا خواهد کرد و شروطی را که پذیرفته، مورد اجرا خواهد گذارد یا نه. این شروط بقرار زیرند:

- ۱ - تجدید سازمان گومیندان و دولت ملی، اخراج گروه طرفدار ژاپن و قبول عناصر ضد ژاپنی؛
- ۲ - آزاد کردن رهبران میهن پرست در شانگهای (۳)، تمام زندانیان سیاسی، و تضمین آزادیهای خلق؛
- ۳ - دست کشیدن از سیاست "سرکوب کمونیستها" و اتحاد با ارتش سرخ بمنظور مقاومت در برابر ژاپن؛
- ۴ - دعوت کنفرانس نجات ملی با شرکت نمایندگان تمام احزاب و گروه‌های سیاسی، کلیه محافل اجتماعی و تمام نیروهای مسلح برای تعیین سیاستی که باید بمنظور مقاومت در برابر ژاپن و نجات

میهن دنبال شود ؛

۵ - ایجاد همکاری با کشورهای با کشورهای که نسبت بمقاومت چین در برابر ژاپن ابراز همدردی میکنند ؛

۶ - اتخاذ تدابیر مشخص دیگر بخاطر نجات میهن .

برای انجام این شروط باید قبل از هر چیز به قول خود وفادار ماند و تا اندازه‌ای از خود شهامت نشان داد . ما چانکایشک را از روی اعمال آینده‌اش قضاوت خواهیم کرد .

اما در اعلامیه چانکایشک این نیز گفته شده است که حادثه سی ان نتیجه فشار "مرتجعان" بود . مایه تأسف است که چانکایشک توضیح نداده است که این افرادی که او با کلمه "مرتجعان" توصیف میکند ، چه کسانی هستند و بعلاوه ما نمیدانیم معنی کلمه "مرتجع" در قاموس او چیست . ولی مسلم اینستکه حادثه سی ان تحت تأثیر نیروهای زیر بوقوع پیوست :

۱ - بلند شدن موج خشم و انزجار سپاهیان ژنرال جان سیوه لیان و ژنرال یان هوچن و خلق انقلابی شمال غربی نسبت به تجاوز ژاپن ؛  
۲ - بلند شدن موج خشم و انزجار قاطبه خلق چین نسبت به تجاوز ژاپن ؛

۳ - رشد نیروهای چپ در درون گومیندان ؛

۴ - مطالبات گروه‌هایی که در استانهای مختلف دارای قدرت واقعی هستند ، در مورد مقاومت در برابر ژاپن و مبارزه بخاطر نجات میهن ؛  
۵ - موضع گیری حزب کمونیست بسود ایجاد جبهه متحد ملی

ضد ژاپنی ؛

۶ - توسعه جبهه صلح در جهان .

اینها همه واقعیات انکارناپذیرند . "مرتجعانی" که چانکایشک از آنها سخن

میگوید، جز این نیروها نیستند؛ منتها چانکایشک آنها را با کلمه "مرتجعان" توصیف میکند، در حالیکه همه آنها را انقلابی مینامند. چون چانکایشک در سی ان اعلام کرد که میخواهد جداً علیه تجاوز ژاپن بجنگد، پس از قرار معلوم، بعد از عزیمت از سی ان بلافاصله به حمله شدید علیه نیروهای انقلابی دست نخواهد زد؛ زیرا نه فقط زندگی سیاسی او و گروهش وابسته به قوی است که داده، بلکه در راه سیاسی کنونی در مقابل او و گروهش نیروئی قد برافراشته که بزیان آنها رشد کرده است و این همان گروه "لشگر کشی کیفری" است که قصد داشت او را در حادثه سی ان بقتل برساند. از اینجهت ما به چانکایشک توصیه میکنیم که در قاموس سیاسی خویش تجدید نظر کند و کلمه "انقلابی" را بجای کلمه "مرتجع" بگذارد، زیرا بهتر است اشیاء را بنام واقعی خود آنها نامید.

چانکایشک نباید فراموش کند که اگر توانست سی ان را در امنیت کامل ترک کند، تنها بعلت مساعی رهبران حادثه سی ان، ژنرال جان سیوه لیان و ژنرال یان هو چن نبود، بلکه وساطت حزب کمونیست نیز نقش مؤثری داشت. حزب کمونیست خواهان حل مسالمت‌آمیز این حادثه بود و بدین منظور تمام مساعی خود را بکار انداخت؛ مبداء حرکت حزب در این حادثه فقط و فقط موجودیت ملت بود. چنانچه جنگ داخلی گسترش می‌یافت و جان و یان چانکایشک را مدت طولانی در زندان نگه‌میداشتند، سیر تکامل این حادثه فقط میتواند بسود امپریالیستهای ژاپنی و گروه "لشگر کشی کیفری" چینی پایان یابد. در چنین وضعی بود که حزب کمونیست توطئه‌های امپریالیستهای ژاپنی و وان جین وی (۴) و حه بین چین (۵) و اعضای دیگر گروه "لشگر کشی کیفری" چینی را با قاطعیت فاش کرد و با استحکام بسود حل مسالمت‌آمیز این حادثه موضع

گرفت . چنین راه حلی اتفاقاً با نظرات ژنرال جان سیوه لیان و ژنرال یان هو چن و اعضای دیگر گومیندان مانند سون زی وین (۶) مطابقت داشت . بعلاوه این درست آنچیزی است که قاطبه خلق میخواست ، زیرا که خلق از جنگ داخلی کنونی بشدت متنفر است .

چانکایشک با قبول شروط سی ان آزادی خود را باز یافت . از این پس مسئله آنستکه آیا چانکایشک صد در صد سر حرف خود - "باید به قول خود وفادار و مصمم به عمل بود" - باقی خواهد ماند و تمام شروط لازم را برای نجات میهن بدون کم و کاست بمرحله اجرا خواهد گذاشت یا نه . خلق چین بهیچوجه بچانکایشک اجازه نخواهد داد که دیگر در راه اجرای این شروط تردید کند و یا محدودیتی قایل شود . چنانچه چانکایشک در مسئله مقاومت در برابر ژاپن مردد بماند و اجرای وعده‌هایی را که داده بدرازا بکشاند ، موج انقلابی قاطبه خلق او را با خود خواهد برد . چانکایشک و گروهش باید عمیقاً باین ضرب‌المثل قدیمی بیندیشند "کسیکه بوعده خود وفا نکند ، بچه درد میخورد ؟"

اگر چانکایشک بتواند تمام گل و لائی را که طی ده سال پیروی از سیاست ارتجاعی گومیندان بدان آلوده شده ، بشوید ، اگر او بتواند اشتباهات اساسی را که مرتکب شده ، یعنی تن دادن به گذشته‌ها در امور خارجی ، توسل به نیروی مسلح در داخل و سرکوب خلق ، بطور کامل اصلاح کند ، اگر بتواند فوراً به جبهه ضد ژاپنی که تمام احزاب و گروههای سیاسی را متحد میسازد ، بپیوندد و واقعاً کلیه اقدامات نظامی و سیاسی لازم را برای نجات میهن بعمل آورد ، حزب کمونیست مسلماً از او پشتیبانی خواهد کرد . حزب کمونیست قبلاً در نامه ۲۵ اوت خود خطاب به گومیندان وعده این پشتیبانی را به گومیندان و چانکایشک داد (۷) . خلق چین

طی پانزده سال باین حقیقت پی برده است که حزب کمونیست همیشه "بقول خود وفادار و مصمم به عمل بوده است". بی شك خلق چین به اقوال و اعمال حزب کمونیست بیشتر از گفتار و کردار هر حزب سیاسی دیگری در چین اعتماد میورزد .

### یادداشتها

۱ - ارتش شمال شرقی گومیندان بفرماندهی جان سیوه لیان و ارتش هفدهم گومیندان بفرماندهی یان هو چن تحت تأثیر ارتش سرخ چین و جنبش ضد ژاپنی خلق ، با جبهه متحد ملی ضد ژاپنی که از طرف حزب کمونیست چین پیشنهاد شده بود ، موافقت کردند و از چانکایشک خواستند که برای مقاومت در برابر ژاپن با حزب کمونیست متحد شود . چانکایشک این خواست را نه تنها رد کرد بلکه با گستاخی بیشتری مجدانه دست بکار تهیه تدارکات نظامی جهت "سرکوب کمونیستها" گردید و در سی ان به کشتار جوانان ضد ژاپنی پرداخت . جان سیوه لیان و یان هو چن باتفاق چانکایشک را بازداشت کردند . این همان حادثه معروف سی ان است که در ۱۲ دسامبر ۱۹۳۶ روی داد . چانکایشک در آن زمان مجبور شد این شرط را بپذیرد : اتحاد با حزب کمونیست برای مقاومت در برابر ژاپن . از اینجهت وی سپس آزاد شد و به نانکن بازگشت .

۲ - منظور گروه طرفدار ژاپن در درون دولت نانکن گومیندان است که با چانکایشک بر سر قدرت رقابت میکرد و در جریان حادثه سی ان طرفدار این بود که علیه جان سیوه لیان و یان هو چن اقدام به "لشگرکشی کیفری" شود . افراد این گروه که در رأس آن وان جین وی و حه بین چین قرار داشتند ، با سوء استفاده از حادثه سی ان میخواستند جنگ داخلی پردامنه‌ای را براه اندازند تا راه را برای حمله تجاوزکاران ژاپنی بگشایند و قدرت را از دست چانکایشک بر بایند .

۳ - منظور هفت تن از رهبران جنبش میهن پرستانه ضد ژاپنی در شانگهای است که عبارتند از : شن جیون ژو ، جان نای چی ، زو تائو فن ، لی گون پو ، شا چیان لی ، شی لیان و وان زائو شی . این رهبران که در نوامبر ۱۹۳۶ توسط حکومت چانکایشک توقیف شده بودند ، در ژوئیه ۱۹۳۷ آزاد گردیدند .



۴ - وان جین وی در آلمان سر کرده گروه طرفدار ژاپن در درون گومیندان بود . وی از سال ۱۹۳۱ یعنی از زمان هجوم امپریالیستهای ژاپنی به چین همواره طرفدار سازش بود . وان جین وی در دسامبر ۱۹۳۸ چون چین را ترك کرد و علناً به تجاوزکاران ژاپنی تسلیم شد و در نانکن يك دولت پوشالی تشکیل داد .

۵ - سه بین چین دیکتاتور نظامی گومیندان و یکی دیگر از سردمداران گروه طرفدار ژاپن در این حزب بود . وی در جریان حادثه سی ان با آرایش سپاهیان گومیندان در امتداد راه آهن لون های بمنظور حمله به شنسی جنگ داخلی را مجدانه تدارك میدید . او در نظر داشت با بمباران سی ان چانکایشک را بقتل رساند و خود بر جای او بنشیند .

۶ - سون زی وین یکی از افراد جناح آمریکائی گومیندان بود . در نتیجه تضاد بین دو قدرت امپریالیستی آمریکا و ژاپن که بر سر تسلط بر خاور دور با یکدیگر مبارزه داشتند ، سون زی وین نیز با در نظر گرفتن منافع آمریکا از حل مسالمت آمیز حادثه سی ان طرفداری میکرد .

۷ - این نامه سلطه ارتجاعی گومیندان و دومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان را بدرستی و شدیداً مورد انتقاد و محکومیت قرار داد و در عین حال سیاست حزب کمونیست چین را که عبارت بود از تشکیل جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و آمادگی حزب برای تجدید همکاری میان گومیندان و حزب کمونیست تشریح نمود . ما در اینجا قسمت مهمی از این نامه را میآوریم :

دومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی حزب شما وقتی از "مرکزیت و وحدت" صحبت میکند ، در واقع علت و معلول را با هم اشتباه مینماید . در اینجا باید خاطر نشان ساخت که جنگ داخلی و فقدان وحدت طی ده سال اخیر بجز سیاست وابستگی به امپریالیستها که حزب شما و حکومت حزب شما بزیران کشور تعقیب کرده ، و بویژه سیاست عدم مقاومت که از زمان حادثه ۱۸ سپتامبر بطور مداوم دنبال میشود ، علت دیگری ندارد . حزب شما و حکومت حزب شما با علم کردن شعار : "استقرار آرامش در داخل کشور قبل از مقاومت در برابر تجاوز خارجی" بلاانقطاع بجنگ داخلی پرداخته و بارها ارتش سرخ را بمحاصره انداخته و با آن پیکار کرده و برای خفه کردن جنبش میهن پرستانه و جنبش دموکراتیک خلق در سراسر کشور از هیچ کوششی فروگذار نکرده است . اخیراً شما حتی شمال شرقی و شمال کشور را بحال خود گذاشته اید و فراموش کرده اید که امپریالیسم ژاپن بزرگترین دشمن چین است ؛ شما تمام کوشش خود را برای نبرد با ارتش سرخ

و ادامه مبارزات گروهی در درون حزب خود بکار انداخته‌اید ؛ شما با تمام قوا تلاش کرده‌اید که راه را بر ارتش سرخ در نبرد علیه ژاپن ببندید و به ایذاء پشت جبهه آن پردازید ؛ شما خواست قاطبه خلق را دایر بر مقاومت در برابر ژاپن نادیده گرفته‌اید ؛ شما قاطبه خلق را از آزادیهایش محروم ساخته‌اید . میهن پرستی در ردیف جنایت در آمده است و در سراسر کشور زندانها مملو از بیگناهان گشته‌اند ؛ خیانت پادشاه میبیند و خیانتکاران بمناسبت موفقیت‌هایی که بدست می‌آورند ، بیکدیگر تهنیت میگویند . تحقق بخشیدن به مرکزیت و وحدت با توسل باین سیاست نادرست همانند ”صید ماهی بر روی درخت” است و نتیجه معکوس میبخشد . آقایان ، اینک ما لازم میدانیم بشما اخطار کنیم : اگر سیاست نادرست خود را از اساس تغییر ندهید ، اگر کینه خود را نه علیه امپریالیسم ژاپن بلکه علیه هموطنان خود متوجه سازید ، بهر کاری که دست بزنید ، موفق به حفظ وضع کنونی خود نخواهید شد ، و کلیه اظهارات شما درباره مرکزیت ، وحدت و باصطلاح ”دولت مدرن” پرگوئی‌های عبث بیش نخواهد بود . آنچه که قاطبه خلق بدان نیازمند است ، مرکزیت و وحدتی است که وسیله مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن باشد و نه سر باستان بیگانگان سائیدن و خلق را سرکوب کردن . قاطبه خلق شدیداً خواستار حکومتی است که واقعاً بتواند کشور را رهائی بخشد و خلق را نجات دهد - یعنی يك جمهورى واقعاً دموکراتیک . قاطبه خلق خواستار يك حکومت جمهورى دموکراتیک است که در خدمت منافع او باشد . برنامه چنین حکومتی باید بطور عمده شامل مواد زیر باشد : (۱) مقاومت در برابر تجاوز خارجی ؛ (۲) اعطای حقوق دموکراتیک به خلق ؛ (۳) رشد اقتصاد ملی بخاطر از بین بردن ویا لااقل تسکین مصائب خلق . اگر صحبت از ”دولت مدرن” بخواهد مفهومی پیدا کند ، این یگانه برنامه‌ای است که در عصر کنونی واقعاً به احتیاجات چین مستعمره و نیمه مستعمره پاسخ میدهد . خلق سراسر کشور با امیدی پر شور و تصمیمی قاطع برای نیل باین هدفها مبارزه میکند . اما حزب شما و حکومت حزب شما سیاستی را دنبال میکند که در جهت مخالف این امیدهای خلق است و بدین ترتیب شما هرگز موفق نخواهید شد اعتماد خلق را نسبت بخود جلب کنید . حزب کمونیست چین و ارتش سرخ چین جداً اعلام میدارند : ما طرفدارتأسیس جمهورى دموکراتیک متحدی هستیم که سراسر کشور را دربر گیرد ؛ ما طرفدار دعوت مجلسی هستیم که به آراء عمومی انتخاب شود ؛ ما از کنگره نجات ملی ضد ژاپنی

پشتیبانی میکنیم که مرکب از نمایندگان قاطبه خلق و تمام نیروهای مسلح ضد ژاپنی کشور باشد؛ ما همچنین از يك حکومت متحد دفاع ملی برای تمام کشور جانب داری مینمائیم. ما اعلام میداریم: هنگامیکه يك جمهوری دموکراتیک متحد سراسری چین ایجاد گردد، مناطق سرخ جزء لاینفک آن خواهند بود، نمایندگان اهالی مناطق سرخ در کارهای پارلمان سراسری چین شرکت خواهند جست و در مناطق سرخ همان سیستم دموکراتیکی برقرار خواهد گردید که در قسمتهای دیگر چین برقرار خواهد بود. ما برآنیم که نه شورای دفاع ملی که دومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی حزب شما تصمیم بایجاد آن گرفته و نه مجلس ملی که حزب شما و حکومت حزب شما دعوت آنرا تدارک مینیند، هیچکدام نخواهد توانست به این وظیفه یعنی مرکزیت و وحدت برای مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن تحقق بخشد. طبق آئین نامه شورای دفاع ملی مصوب دومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی حزب شما، این شورا فقط مرکب خواهد بود از گروه کوچکی از مأمورینی که در رأس حزب شما و حکومت حزب شما قرار دارند؛ وظیفه این شورا چنین خواهد بود که فقط و فقط بمشابه ارگان مشورتی حکومت حزب شما خدمت کند. کاملاً واضح است که چنین شورائی نخواهد توانست کاری انجام دهد و یا اعتماد خلق را هر قدر هم که اندک باشد، بسوی خود جلب کند. طبق «طرح قانون اساسی جمهوری چین» و «قانون تشکیلاتی و قانون انتخابات مجلس ملی» که همه از مصوبات حکومت حزب شما است، آن مجلس ملی نیز که شما میخواهید دعوت کنید، نخواهد توانست کاری انجام دهد و یا اعتماد خلق را بسوی خود جلب کند، زیرا که این مجلس ملی ارگانی خواهد بود که چند مأمور حزب شما و حکومت حزب شما بر آن نظارت خواهند داشت و فقط زائده‌ای و وسیله زینت آنها خواهد بود. این شورا و این مجلس با کنگره ملی بخاطر مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن (یعنی شورای دفاع ملی) و با جمهوری دموکراتیک چین و پارلمان آن که حزب ما پیشنهاد کرده است، هیچ وجه مشترکی نخواهد داشت. ما معتقدیم که شورای دفاع ملی بخاطر مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن باید نمایندگان تمام احزاب و گروههای سیاسی، تمام محافل اجتماعی و تمام نیروهای مسلح را دربرگیرد تا بصورت یک ارگان واقعی قدرت درآید و بتواند سیاست اساسی مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن را تعیین کند؛ از این شورا باید يك حکومت متحد دفاع ملی تشکیل یابد. مجلس ملی باید آنچنان پارلمانی باشد که به آراء عمومی انتخاب

شود و عالیترین ارگان قدرت جمهوری دموکراتیک چین را تشکیل دهد. فقط يك چنین شورای دفاع ملی و يك چنین پارلمان سراسری چین خواهد توانست از تأیید و پشتیبانی و شرکت قاطبه خلق برخوردار باشد و امر کبیر نجات میهن و خلق را بر پایه‌ای استوار و خلل‌ناپذیر قرار دهد. در غیر اینصورت لفاظی‌های زیبا هیچ قیمتی نخواهند داشت و مورد تأیید خلق قرار نخواهند گرفت. ناگامی کنفرانسهای مختلفی که حزب شما و حکومت حزب شما تا کنون تشکیل داده‌اند، بهترین گواه آنست. در اعلامیه دومین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی حزب شما چنین میخوانیم: "پیدایش خطرات و موانع برای ما غیرمنتظره نیستند، لیکن مشکلاتی که ملت به آنها بر میخورد، هرگز نمیتوانند دلیلی باشند بر اینکه ما در اجرای وظیفه خود سستی بخرج دهیم." "اما حزب ما برای بقاء میهن با تمام نیرو و خرد تا آخر مجاهدت خواهد ورزید." در واقع حزب شما در قسمت بزرگی از کشور قدرت را در دست دارد و بنابر این باید مسئولیت سیاسی تمام اعمال گذشته را برعهده گیرد. با توجه باینکه حکومت گومیندان، دیکتاتوری يك حزب است، حزب شما هرگز نمیتواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. بخصوص پس از حادثه ۱۸ سپتامبر حزب شما برخلاف اراده قاطبه خلق و منافع تمام ملت سیاست کاملاً غلطی را دنبال کرد و در نتیجه قریب نیمی از سرزمین چین از دست رفت؛ شما هرگز نمیتوانید این مسئولیت را بدوش دیگران بیندازید. ما همراه با تمام خلق چین بر این عقیده‌ایم که حزب شما که اکنون نیمی از سرزمین چین را از دست داده، باید مسئولیت بازستادن سرزمینهای از دست رفته و استقرار حاکمیت ملی چین را برعهده گیرد. از سوی دیگر در حزب شما بسیاری از مردمان شرافتمند که بلایای ناشی از اسارت ملی و همچنین نقض‌ناپذیری اراده مردم را بروشنی دریافته‌اند، راه نوینی را در پیش گرفته و نسبت بآن اعضای حزب شما که موجبات مصیبت حزب و کشور را فراهم آورده‌اند، احساس تنفر و عدم رضایت میکنند. حزب کمونیست چین باین چرخش نوین با علاقه مینگرد و روحیه عالی و بیداری این اعضاء میهن پرست و شرافتمند گومیندان را بگرمی تهنیت میگوید؛ حزب ما آمادگی آنها را برای فداکاری در مبارزه و شهادت آنها را در انجام اصلاحات در لحظه‌ای که ملت در مخاطره است، تهنیت میگوید. ما میدانیم که در کمیته اجرایی مرکزی و در کمیته‌های ایالتی حزب شما، در حکومت مرکزی و در حکومت‌های ایالتی، در محافل آموزشی،

علمی ، هنری ، مطبوعاتی ، صنعتی ، در میان زنان ، در محافل مذهبی ، پزشکی ، انتظامی ، در سازمانهای توده‌ای مختلف و بویژه در صفوف وسیع ارتش ، در میان توده اعضای سابقه‌دار و جدید گومیندان و همچنین در میان رهبران آن در تمام مدارج ، مردمان آگاه و میهن پرست بسیارند و تعداد آنها روز بروز افزایش مییابد . این واقعیت مسرت‌بخشی است . حزب کمونیست چین همیشه آماده است با این اعضای گومیندان همکاری کند و بخاطر مبارزه علیه بزرگترین دشمن ملت چین یعنی امپریالیسم ژاپن باتفاق آنها جبهه متحد ملی محکمی را تشکیل دهد . ما امیدواریم که این افراد در درون گومیندان بسرعت به نیروی متفوق تبدیل شوند و بر آن نابکارترین و بی‌شرمترین اعضای گومیندان که منافع ملت را نادیده گرفته و در واقع بصورت عاملین امپریالیسم ژاپن و خائنین به ملت در آمده‌اند - اعضائی که خاطره دکتر سون یاتسن را مورد اهانت قرار داده‌اند - غلبه کنند . ما امیدواریم که آنها روح سه اصل انقلابی خلق دکتر سون یاتسن را احیا کنند و سه اصل سیاسی اساسی وی را دایربر اتحاد با روسیه ، همکاری با حزب کمونیست و پشتیبانی از کارگران و دهقانان را مجدداً مورد تأیید قرار دهند و " با تمام نیرو و خرد " برای تحقق سه اصل انقلابی خلق و سه اصل سیاسی اساسی و وصایای انقلابی دکتر سون یاتسن " تا آخر مجاهدت ورزند " . ما امیدواریم که آنها همراه با رهبران میهن پرست همه احزاب و گروههای سیاسی و محافل اجتماعی ، همراه با تمام میهن پرستان چین مصممانه مسئولیت ادامه امر انقلابی دکتر سون یاتسن را برعهده گیرند و با قاطعیت برای بیرون راندن امپریالیستهای ژاپنی و نجات چین از انقیاد ، برای بدست آوردن حقوق دموکراتیک قاطبه خلق ، برای رشد اقتصاد ملی چین و نجات اکثریت عظیم خلق از محنت ، برای استقرار جمهوری دموکراتیک چین ، پارامان دموکراتیک و حکومت دموکراتیک مبارزه کنند . حزب کمونیست چین به کلیه اعضای گومیندان اعلام میدارد : اگر شما واقعاً چنین عمل کنید ، ما مصممانه از شما پشتیبانی خواهیم کرد و آماده‌ایم با شما جبهه متحد انقلابی محکمی نظیر جبهه متحد بزرگ دو حزب ما علیه ستم ملی و فئودالی در دوران انقلاب کبیر چین در سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ برقرار کنیم ، زیرا که در حال حاضر این راه یگانه راه صحیح برای نجات ملت از انقیاد و تأمین بقا است .

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# وظایف حزب کمونیست چین در دوران مقاوت علیه ژاپن

( ۳ مه ۱۹۳۷ )

## مرحله کنونی رشد تضادهای خارجی و داخلی چین

- ۱ - از آنجا که تضاد میان چین و ژاپن بصورت تضاد عمده در آمده و تضادهای داخلی به تضادهای فرعی و تبعی تنزل یافته‌اند ، در مناسبات بین‌المللی و همچنین در مناسبات طبقاتی چین تغییراتی روی داده‌اند که موجب پیدایش مرحله نوینی در تکامل وضع کنونی گردیده‌اند .
- ۲ - چین دیر زمانی است که دستخوش دو نوع تضاد اساسی حاد شده‌است : تضاد میان امپریالیسم و چین و تضاد میان نظام فئودالی و توده‌های مردم . در سال ۱۹۲۷ بورژوازی بنماینده گی گومیندان به انقلاب خیانت ورزید و منافع ملی را به امپریالیسم فروخت ، و در نتیجه وضعی بوجود آمد که قدرت سیاسی کارگری - دهقانی با قدرت سیاسی گومیندان در

---

این اثر متن گزارش رفیق مائو تسه دون است که در ماه مه ۱۹۳۷ به کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین منعقد در ین ان تقدیم داشته است .

آنتاگونیسم حادی قرار گرفت و وظیفه انجام انقلاب ملی و دموکراتیک ناگزیر تنها بدوش حزب کمونیست چین افتاد .

۳ - در اثر وضعی که بعد از حادثه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱ و بویژه بعد از حادثه ۱۹۳۵ شمال چین پدید آمد (۱) ، این تضادها دستخوش تغییرات زیر گردیدند :

الف - تضاد بین امپریالیسم در مجموع و چین جای خود را به تضاد بویژه برجسته و حاد بین امپریالیسم ژاپن و چین داده است . امپریالیسم ژاپن سیاست انقیاد کامل چین را دنبال میکند . از اینرو تضادهای میان چین و سایر قدرتهای امپریالیستی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته اند و شکاف میان این قدرتهای امپریالیستی و امپریالیسم ژاپن توسعه یافته است . لذا در برابر حزب کمونیست چین و خلق چین این وظیفه قرار گرفته است که جبهه متحد ملی ضد ژاپنی چین را با جبهه صلح در جهان پیوند دهند . بسخن دیگر چین نه فقط باید با اتحاد شوروی که همیشه دوست وفادار خلق چین بوده است ، متحد شود ، بلکه باید تا آنجا که ممکن است با آن کشورهای امپریالیستی که اکنون خواهان حفظ صلح و مخالف جنگهای تجاوزکارانه جدیدند ، مناسباتی برقرار کند که هدفش مبارزه مشترک علیه امپریالیسم ژاپن است . جبهه متحد ما باید هدفش مقاومت در برابر ژاپن باشد ، نه اینکه در آن واحد با تمام قدرتهای امپریالیستی بمبارزه برخیزد .

ب - تضاد میان چین و ژاپن مناسبات طبقاتی را در چین تغییر داده و بورژوازی و حتی دیکتاتورهای نظامی را هم با مسئله هستی و نیستی مواجه ساخته است ، بطوریکه در روش سیاسی خود آنها و درون احزابشان يك پروسه تغییر تدریجی مشاهده میشود . این امر در برابر حزب کمونیست چین و خلق چین وظیفه ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را قرار میدهد . جبهه متحد ما



بورژوازی و تمام کسانی را که هوادار دفاع از میهن اند، دربر میگیرد و در برابر دشمن خارجی مظهر وحدت ملی میباشد. این وظیفه نه فقط باید بلکه میتواند بانجام رسد.

ج - تضاد میان چین و ژاپن باعث تغییراتی در وضع توده‌های مردم سراسر کشور (پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی شهری) و حزب کمونیست چین گردیده و سیاست حزب کمونیست چین را تغییر داده است. خلق بمقیاس باز هم وسیعتری برای نجات میهن بپا خاسته است. سیاست حزب کمونیست چین پس از حادثه ۱۸ سپتامبر عبارت بود از اینکه تحت سه شرط (متوقف ساختن حملات علیه مناطق پایگاهی انقلابی، تضمین حق آزادی برای خلق و مسلح کردن خلق) با فراکسیون‌هایی از گومیندان که آماده بودند در امر مقاومت علیه ژاپن با ما همکاری کنند، موافقت نامه‌هایی در مقاومت بر علیه ژاپن منعقد نماید؛ این سیاست اکنون به سیاست تشکیل جبهه متحد ضد ژاپنی تمام ملت تبدیل شده است؛ و درست بر اساس همین سیاست بود که حزب ما اقدامات زیر را اتخاذ کرد: در سال ۱۹۳۵ اعلامیه اوت (۲) و قطعنامه دسامبر (۳) را صادر کرد، در ماه مه ۱۹۳۶ شعارهای "ضد چانکایشک" (۴) را حذف نمود، در ماه اوت نامه‌ای خطاب به گومیندان (۵) نوشت، در ماه سپتامبر قطعنامه جمهوری دموکراتیک (۶) را صادر کرد، در ماه دسامبر روی حل مسالمت آمیز حادثه سی ان پافشاری نمود و در ماه فوریه ۱۹۳۷ تلگرافی به سومین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان (۷) مخابره کرد.

د - بعلت وجود تضاد میان چین و ژاپن، در حکومت‌های مستقل دیکتاتورهای نظامی و در جنگ‌های میان آنها که هر دو زائیده سیاست امپریالیستی مناطق نفوذ و اقتصاد نیمه استعماری چین‌اند، نیز تغییراتی رخ داده است. امپریالیسم ژاپن این حکومت‌های مستقل و این جنگ‌های داخلی

را که تسلط بلامنازع وی بر چین را تسهیل مینماید ، تشویق میکند . بعضی از قدرتهای امپریالیستی دیگر بعزت منافع خاص خود موقتاً به استقرار وحدت و صلح در چین روی موافق نشان میدهند . حزب کمونیست چین و خلق چین بنوبه خود از هیچ کوششی برای مبارزه علیه جنگهای داخلی و تجزیه کشور و تأمین صلح و وحدت فروگذار نمیکنند .

۵ - در نتیجه رشد تضاد ملی چین و ژاپن ، تضادهای میان طبقات و میان گروههای سیاسی کشور از لحاظ اهمیت سیاسی جنبه فرعی و تبعی بخود گرفتهاند . لیکن این تضادها کماکان موجودند و بهیچوجه کاهش نیافته و از بین نرفتهاند . این حقیقت در مورد تضادهای میان چین و سایر قدرتهای امپریالیستی - باستانی ژاپن - نیز صادق است . بنابر این در برابر حزب کمونیست چین و خلق چین وظیفه زیر قرار گرفته است : تنظیم مناسب آن تضادهای داخلی و خارجی - تا آنجا که در شرایط کنونی ممکن و لازم است - تا آنکه با وظیفه عمومی اتحاد در مبارزه علیه ژاپن وفق دهند . سیاست حزب کمونیست چین که مبتنی بر صلح و وحدت ، سیاست دموکراتیک ، بهبود شرایط زندگی خلق و مذاکره با کشورهای مخالف ژاپن است ، درست از همینجا ناشی میشود .

۴ - نخستین مرحله دوران جدید انقلاب چین که از نهم دسامبر ۱۹۳۵ آغاز گردیده ، در فوریه ۱۹۳۷ هنگامیکه سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان انعقاد یافت ، پایان پذیرفت . طی این مرحله مهمترین حوادث عبارت بودند از جنبش نجاتبخش دانشجویان ، محافل فرهنگی و مطبوعات ، ورود ارتش سرخ به شمال غربی ، کار تبلیغاتی و تشکیلاتی حزب کمونیست درباره سیاست جبهه متحد ملی ضد ژاپنی خود ، اعتصابات ضد ژاپنی در شانگهای و چین دائو (۸) ، گرایش سختگیری نسبی در سیاست

بریتانیا نسبت به ژاپن (۹) ، حادثه گوان دون - گوان سی (۱۰) ، نبرد سوی یوان و جنبش برای پشتیبانی از جبهه سوی یوان (۱۱) ، روش نسبتاً محکم نانکن در مذاکرات بین چین و ژاپن (۱۲) ، حادثه سی ان و بالاخره سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان منعقد در نانکن (۱۳) . تمام این حوادث در حول تضاد اساسی که همان آنتا گونیسم میان چین و ژاپن است ، دور میزدند و تمام آنها با ضرورت تاریخی ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی ارتباط مستقیم داشتند . وظیفه اساسی انقلاب در این مرحله عبارت بود از مبارزه بخاطر تأمین صلح داخلی ، پایان بخشیدن به برخوردهای مسلحانه در داخل کشور بمنظور ایجاد وحدت و مبارزه علیه ژاپن . حزب کمونیست در این مرحله چنین دعوتی را مطرح کرد : "جنگ داخلی را متوقف سازیم و همگی متفقاً علیه ژاپن برخیزیم !" - دعوتی که بطور عمده به تحقق در آمد و اولین شرط ضرور را برای تشکیل واقعی جبهه متحد ملی ضد ژاپنی فراهم گردانید .

ه - بعلت وجود يك گروه طرفدار ژاپن در درون گومیندان ، طی سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی حزب مسزبور هیچ تغییر صریح و کاملی در سیاستش صورت نگرفت و هیچ مسئله‌ای بطور مشخص حل نگردید . معذک تحت فشار خلق و تغییراتی که در صفوف گومیندان روی داد ، گومیندان مجبور شد که شروع به تغییر سیاست اشتباه‌آمیز دهسال اخیر خود کند یعنی از سیاست جنگ داخلی ، دیکتاتوری و عدم مقاومت در برابر ژاپن به سیاست صلح ، دموکراسی و مقاومت در برابر ژاپن روی آورد و شروع به پذیرش سیاست ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی نماید ؛ این اولین تغییری بود که در جریان سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان پدید آمد . از این پس باید کوشید تا سیاست گومیندان از ریشه تغییر کند .

برای نیل باین هدف حزب ما و قاطبه خلق باید جنبش ضد ژاپنی و جنبش بخاطر برقراری دموکراسی را باز هم وسیعتر رشد دهند ، از گومیندان زیادتر انتقاد کنند ، آنها جلوتر برانند و بیشتر تحت فشار قرار دهند ، با آن عناصری از گومیندان که هوادار صلح و دموکراسی و مقاومت در برابر ژاپن میباشند ، متحد شوند ، عناصر متزلزل و مردد آنها به پیش رانند و عناصر طرفدار ژاپن را کنار زنند .

۶ - مرحله کنونی دومین مرحله دوران جدید است و مانند مرحله پیشین ، مرحله گذار به مقاومت مسلحانه علیه ژاپن در مقیاس ملی است . اگر وظیفه مرحله گذشته بطور عمده عبارت از مبارزه بخاطر صلح داخلی بود ، وظیفه مرحله کنونی بطور عمده مبارزه بخاطر دموکراسی است . باید دانست که ایجاد یک جبهه متحد ملی ضد ژاپنی واقعی و استوار البته بدون وجود صلح داخلی غیر ممکن است ولی بدون وجود دموکراسی در کشور نیز امکان ناپذیر است . بهمین جهت است که در مرحله رشد و تکامل کنونی ، مبارزه بخاطر دموکراسی حلقه مرکزی زنجیر وظایف انقلاب را تشکیل میدهد . چنانچه ما به اهمیت مبارزه در راه دموکراسی بروشنی پی نبریم ، چنانچه ما در مساعی خود بخاطر این مبارزه سستی و کاهلی بخرج دهیم ، نخواهیم توانست یک جبهه متحد ملی ضد ژاپنی واقعی و استوار برقرار نمائیم .

## مبارزه در راه دموکراسی و آزادی

۷ - هم اکنون امپریالیسم ژاپن برای تجاوز به جنوب دیوار بزرگ چین خود را با شدت آماده میسازد . ژاپن در هماهنگی با هیتلر و موسولینی که با شدت جنگ راهزنانه‌ای را در غرب تدارک میبینند ، طبق

نقشه معین تمام نیروی خود را برای ایجاد شرایط مناسب در شرق - شرایط نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیک در کشور خود ، شرایط دیپلماتیک در مقیاس بین‌المللی و پرورش و حمایت نیروهای طرفدار ژاپن در چین - بکار میبرد تا با اولین ضربه چین را به انقیاد خود در آورد . تبلیغات ژاپن درباره باصطلاح "همکاری چین و ژاپن" و تخفیف معینی که در اقدامات دیپلماتیک او صورت گرفته ، درست ناشی از ضرورت تاکتیکی سیاست تجاوزکارانه ژاپن در آستانه جنگ است . چین اکنون به لحظه حساسی نزدیک میشود که باید درباره هستی و نیستی خود تصمیم بگیرد و کار تدارکی جنگ مقاومت میهنی علیه ژاپن را مثل برق زود انجام دهد . ما بهیچوجه مخالف این کار تدارکی نیستیم ؛ ما فقط با تئوری کار تدارکی طولانی و با تن پروری و لهو و لعب کارمندان لشگری و کشوری که میهن را به انقیاد میکشاند ، مخالفیم . اینها همه در واقع بسود دشمن‌اند و باید هرچه زودتر زدوده شوند .

۸ - تدارک دفاع ملی در زمینه‌های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و آموزش و پرورش از شروط ضرور برای جنگ مقاومت میهنی علیه ژاپن است و هیچیک از این تدارکات نباید لحظه‌ای بتأخیر افتد ، لیکن کلیدی که پیروزی جنگ مقاومت ما را تضمین میکند ، مبارزه بخاطر دموکراسی و آزادی در زمینه سیاسی است . برای جنگ مقاومت نیاز به صلح داخلی و وحدت سراسر کشور است ؛ بدون دموکراسی و آزادی صلحی که بدست آید ، نمیتواند استحکام یابد و وحدت داخلی نیز نمیتواند تقویت شود . جنگ مقاومت بسیج خلق را ایجاد میکند ، بدون دموکراسی و آزادی امکان بسیج خلق موجود نیست . بدون صلح و وحدت استوار ، بدون بسیج خلق جنگ مقاومت ما به سرنوشت جنگ حبشه دچار خواهد شد . حبشه بطور عمده باین علت مغلوب شد که رژیم فئودالی آن نتوانست وحدت داخلی را تأمین کند و

فعالیت خلق را برانگیزد . پس بدون دموکراسی ممکن نیست در چین يك جبهه متحد ملی ضد ژاپنی واقعی و استوار برقرار کرد و وظایفی را که بر عهده این جبهه است ، بانجام رسانید .

۹ - چین باید فوراً در دو زمینه زیر به اصلاحات دموکراتیک پردازد .  
 اولاً در مورد سیستم سیاسی : دیکتاتوری ارتجاعی گومیندان که توسط حزب واحد و طبقه واحد اعمال میشود ، باید جای خود را بیک حکومت دموکراتیک واگذارد که پایه آن بر همکاری احزاب مختلف و طبقات مختلف استوار باشد .  
 در این زمینه باید برای شروع بکار از شیوه‌های غیر دموکراتیک انتخابات و دعوت مجلس ملی دست برداشت ، انتخابات دموکراتیک را شروع کرد و آزادی فعالیت مجلس ملی را تأمین نمود تا بعداً بتوان قانون اساسی واقعاً دموکراتیکی را تدوین کرد ، پارلمان واقعاً دموکراتیکی را فراخواند و دولت واقعاً دموکراتیکی را انتخاب نمود ، دولتی که بتواند يك سیاست دموکراتیک واقعی در پیش گیرد . فقط در اینصورت است که میتوان واقعاً صلح داخلی را استحکام بخشید ، به مخاصمات مسلحانه در درون کشور پایان داد ، وحدت داخلی را تقویت نمود ، بطوریکه قاطبه ملت بتوانند متحد شوند و در برابر دشمن خارجی مقاومت کنند . امکان این هست که امپریالیسم ژاپن پیش از آنکه ما این اصلاحات را بپایان برسانیم ، بما حمله کند . از اینجهت ما باید زود دست به اصلاحات بزنیم و آماده باشیم که در جریان جنگ مقاومت آنها را تماماً بپایان برسانیم تا بتوانیم در هر لحظه در برابر حمله ژاپن مقاومت کنیم و آنها کاملاً در هم شکنیم . قاطبه خلق چین و همه میهن پرستان احزاب سیاسی مختلف باید از حالت بی تفاوتی در قبال مسئله مجلس ملی و تدوین قانون اساسی بیرون آیند و تمام مساعی خود را در جهت پیشبرد جنبش تشکیل مجلس ملی و تدوین قانون اساسی مصروف دارند - جنبش

مشخصی که برای دفاع ملی دارای اهمیت میباشد؛ آنها باید از گومیندان یعنی از حزبی که در رأس قدرت است، سخت انتقاد کنند، آنها پیش رانند و تحت فشار قرار دهند تا از دیکتاتوری حزب واحد و طبقه واحد دست بردارد و طبق اراده خلق رفتار کند. در چند ماه آینده باید در سراسر کشور يك جنبش وسیع دموکراتیک بر پا گردد که هدف فوری آن انجام دموکراتیزه کردن مجلس ملی و قانون اساسی باشد. موضوع دوم مربوط به آزادی بیان، اجتماعات و جمعیت برای خلق است. بدون این آزادیها اصلاح دموکراتیک سیستم سیاسی، بسیج خلق برای شرکت در جنگ مقاومت، نیل به پیروزی در دفاع از میهن و تصرف مجدد سرزمینهای از دست رفته ممکن نخواهد بود. در چند ماه آینده جنبش دموکراتیک قاطبه ملت باید سعی نماید به حداقل این خواستها و از آنجمله آزادی زندانیان سیاسی و لغو ممنوعیت احزاب سیاسی تحقق بخشد. اصلاح دموکراتیک سیستم سیاسی و اعطاء آزادی به خلق، بخش مهمی از برنامه جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را تشکیل میدهد و در عین حال شروط ضرور برای ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی واقعی و استوار محسوب میشود.

۱. — دشمنان ما — امپریالیستهای ژاپنی و خائنین به میهن، عناصر طرفدار ژاپن و تروتسکیستها — با تمام نیرو میکوشند هر اقدامی را که در چین بسود صلح و وحدت، دموکراسی و آزادی و جنگ مقاومت در برابر ژاپن اتخاذ میشوند، بر هم زنند. در گذشته هنگامیکه ما بخاطر صلح و وحدت بشدت مبارزه میکردیم، آنها با تمام نیرو تلاش میکردند جنگ داخلی و تفرقه براه اندازند. در حال حاضر و در آینده نزدیک وقتیکه ما با تمام قوا بخاطر دموکراسی و آزادی مبارزه کنیم، آنها بدون شك فعالیتهای تخریبی خود را از سر خواهند گرفت. هدف کلی آنها اینستکه ما را در انجام وظیفه

جنگ مقاومت بخاطر دفاع از میهن به شکست بکشانند و نقشه تجاوزکارانه خود را برای انقیاد چین بمرحله اجرا در آورند. از این پس ما در مبارزه بخاطر کسب دموکراسی و آزادی نه فقط باید بکوشیم در میان عناصر سرسخت گومیندان و عناصر عقب افتاده اهالی بکار تبلیغاتی و تهییجی پردازیم و از آنها انتقاد کنیم، بلکه باید توطئه های امپریالیستهای ژاپنی و همچنین عناصر طرفدار ژاپن و تروتسکیستها را که در تجاوز ژاپن علیه چین نقش چاکران آنها را بازی میکنند، بطور کامل برملا سازیم و با قاطعیت علیه آنها مبارزه کنیم.

۱۱ - حزب کمونیست چین بخاطر صلح داخلی، دموکراسی و جنگ

مقاومت و بمنظور ایجاد يك جبهه متحد ملی ضد ژاپنی در تلگرافی به سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان چهار تعهد سپرده است که عبارتند از :

(۱) تغییر نام دولت منطقه پایگاه انقلابی شنسی - گان سو -

نین سیا که تحت رهبری حزب کمونیست است، به دولت منطقه ویژه جمهوری چین؛ تغییر نام ارتش سرخ به ارتش انقلابی ملی؛ و پیروی این دولت و این ارتش از رهنمودهای دولت مرکزی نانکن و کمیسیون نظامی آن؛

(۲) اجرای کامل رژیم دموکراتیک در سراسر سرزمین تحت حکومت دولت منطقه ویژه؛

(۳) قطع سیاست سرنگونی قهرآمیز گومیندان؛

(۴) قطع مصادره زمینهای مالکان ارضی.

این تعهدات هم ضرورند و هم جایز. زیرا تنها در چنین صورتی است که ما میتوانیم بنابر تغییراتی که در اهمیت سیاسی تضادهای داخلی و خارجی روی داده، وضع آنتاگونیسم میان دو قدرت سیاسی داخل کشور را تغییر دهیم، اتحاد را برقرار سازیم و متفقاً علیه دشمن به پیکار پردازیم. اینها گذشتههای



اصولی و مشروطند ، گذشتهائی هستند که بدین منظور صورت گرفته‌اند تا در عوض نیاز خلق برآورده شود : صلح ، دموکراسی و جنگ مقاومت . معذک این گذشتهها حدودی دارند . حفظ رهبری حزب کمونیست چین بر منطقه ویژه و بر ارتش سرخ ، حفظ استقلال حزب و آزادی انتقاد در روابط خود با گومیندان - اینها همه حدودی هستند که گذشتن از آنها مجاز نیست . گذشت کردن بمعنای گذشت از دو جانب است : گومیندان باید از سیاست خود دایر بر جنگ داخلی و دیکتاتوری و عدم مقاومت در برابر دشمن خارجی دست کشد و حزب کمونیست باید از سیاستی که آنتاگونیسم میان دو قدرت سیاسی را همچنان پا برجا نگاه میدارد ، صرفنظر نماید . ما تنها به بهای این گذشت است که از گومیندان گذشت میگیریم و دوباره همکاری خود را با آن بمنظور مبارزه نجاتبخش ملی شروع میکنیم . این اقدام را تسلیم حزب کمونیست خواندن "آه Q ایسم" (۱۴) و اتهام مغرضانه‌ای بیش نیست .

۱۲ - آیا حزب کمونیست با سه اصل خلق موافق است ؟ ما جواب میدهیم : آری ، موافق است (۱۵) . سه اصل خلق در طول تاریخ خود دستخوش تغییراتی شده‌است . سه اصل انقلابی خلق دکتر سون یاتسن که در نتیجه همکاری وی با حزب کمونیست با قاطعیت بمرحله اجرا درآمد ، اعتماد خلق را جلب کرد و پرچم پیروزمند انقلاب ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ گردید . معذک در سال ۱۹۲۷ گومیندان حزب کمونیست را طرد کرد (تصفیه حزب) (۱۶) و جنگ ضد کمونیستی ( و سیاستی در پیش گرفت که بتمام معنی با سه اصل خلق مغایر بود ؛ و در نتیجه انقلاب دچار شکست گردید و ملت در مخاطره افتاد ، بقسمی که اعتماد مردم از سه اصل خلق سلب شد . اکنون که ملت بحران فوق‌العاده حادی را از سر میگذراند و گومیندان دیگر نمیتواند مانند گذشته حکومت کند ، قاطبه خلق چین و عناصر میهن پرست

درون گومینندان بی‌صبورانه خواهان همکاری این دو حزب‌اند. بدینجهت احیای روح سه اصل خلق و همکاری مجدد دو حزب در سیاست خارجی بر طبق اصل ناسیونالیسم یعنی مبارزه بخاطر استقلال و آزادی ملی، و در داخل بر طبق اصل دموکراسی یعنی تحقق دموکراسی و آزادی، و بر طبق اصل رفاه خلق یعنی بهبود شرایط نیکبختی خلق و هدایت آن در اجرای مصممانه این اصول از طرف دو حزب کاملاً با مطالبات تاریخی انقلاب چین مطابقت دارد و این باید برای هر کمونیستی کاملاً روشن باشد. کمونیستها هرگز از آرمانهای سوسیالیسم و کمونیسم چشم نخواهند پوشید و با گذار از مرحله انقلاب بورژوا - دموکراتیک مرحله سوسیالیسم و کمونیسم خواهند رسید. حزب کمونیست چین برنامه سیاسی و اقتصادی خاص خود را دارد. برنامه حداکثر آن سوسیالیسم و کمونیسم است که با سه اصل خلق فرق میکند. حتی برنامه مرحله انقلاب دموکراتیک آن نیز از برنامه سایر احزاب سیاسی چین کاملتر است. ولی برنامه حزب کمونیست در مرحله انقلاب دموکراتیک در اساس با برنامه سه اصل خلق که نخستین کنگره ملی گومینندان آنرا اعلام داشت، مغایرتی ندارد. بدینجهت ما نه تنها سه اصل خلق را رد نمیکنیم بلکه آماده‌ایم آنها را مصممانه اجرا نمائیم؛ بعلاوه ما از گومینندان میخواهیم که به معیت ما این اصول را مورد اجرا گذارد، و از قاطبه خلق دعوت میکنیم که به آنها جامه عمل بپوشانند. ما برآنیم که حزب کمونیست، گومینندان و قاطبه خلق باید متحد شوند و بخاطر نیل به این سه هدف بزرگ - استقلال ملی، دموکراسی و آزادی، و رفاه خلق مبارزه نمایند.

۱۳ - آیا شعار جمهوری دموکراتیک کارگری - دهقانی که ما قبلاً

اعلام کرده بودیم، اشتباه بود؟ خیر، اشتباه نبود. از آنجا که بورژوازی و بویژه بورژوازی بزرگ خود را از انقلاب کنار کشید و با پیوستن به اردوی

امپریالیستها و نیروهای فئودالی بدشمن خلق مبدل گردید ، از نیروهای معرك انقلاب فقط پرولتاریا ، دهقانان و خرده بورژوازی شهری باقی ماندند ؛ حزب کمونیست بمشابه یگانه حزب انقلابی باقی ماند ؛ و بدین ترتیب وظایف سازماندهی انقلاب ناگزیر بدوش یگانه حزب انقلابی چین یعنی حزب کمونیست افتاد . فقط حزب کمونیست چین بود که بطور پیگیر پرچم انقلاب را برافراشته نگهداشت و سنن انقلابی را حفظ نمود و شعار جمهوری دموکراتیک کارگری - دهقانی را مطرح کرد و برای تحقق آن سالهای متمادی بمبارزه‌ای سخت پرداخت . این شعار مغایر وظیفه انقلاب بورژوا - دموکراتیک نیست ، برعکس نشاندهنده آنست که ما مصممانه این وظیفه را انجام میدهیم . ما در مبارزه پراتیک خود هیچ سیاستی که در جهت مخالف این وظیفه باشد ، اتخاذ نکردیم . سیاست ما که متضمن مصادره زمینهای مالکان ارضی و برقراری هشت ساعت روز کار نیز بود ، بهیچوجه از حدود مالکیت خصوصی سرمایه‌داری فراتر نرفت ؛ سیاست ما تحقق بخشیدن به سوسیالیسم نبود . جمهوری دموکراتیک نوین دارای چه ترکیبی خواهد بود ؟ این جمهوری تشکیل خواهد شد از پرولتاریا ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی و تمام عناصری که در کشور موافق انقلاب ملی و دموکراتیک هستند ؛ این جمهوری مظهر اتحاد تمام این طبقات در انقلاب ملی و دموکراتیک است . ویژگی بارز این اتحاد پیوستن بورژوازی باین اتحاد است ، زیرا در اوضاع و احوال کنونی امکان این هست که بورژوازی یکبار دیگر با ما همکاری کند و در مقاومت علیه ژاپن شرکت جوید ؛ حزب پرولتاریا نباید بورژوازی را طرد نماید بلکه باید آنرا جلب کند و برای کمک به پیش راندن انقلاب چین مجدداً با آن در مبارزه مشترك پیوند اتحاد ببندد . حزب کمونیست برای متوقف ساختن برخوردهای مسلحانه در داخل

کشور مایل است به سیاست مصادره جبری زمینهای مالکان ارضی پایان دهد و آماده است مسئله ارضی را در جریان ساختمان جمهوری دموکراتیک نوین از راه قانونگذاری و یا هر وسیله مناسب دیگر حل کند. اولین مسئله‌ای که باید حل شود، اینستکه آیا خاک چین از آن ژاپنی‌هاست یا از آن چینی‌ها. از آنجا که حل مسئله ارضی دهقانان تابع وظیفه عمده - دفاع چین - است، تعویض شیوه قهرآمیز مصادره با طرق مناسب جدید ضرورت حتمی دارد.

اعلام شعار جمهوری دموکراتیک کارگری - دهقانی در گذشته صحیح بود و حذف آن اکنون نیز صحیح است.

۱۴ - بمنظور ایجاد يك جبهه متحد ملی برای مبارزه مشترك علیه دشمن باید بعضی از تضادهای داخلی را بدرستی حل کنیم و اصل اینست که حل آنها به تقویت و توسعه این جبهه متحد ملی ضد ژاپنی کمک کند نه اینکه آنها را تضعیف و یا محدود نماید. در مرحله انقلاب دموکراتیک نمیتوان از بروز تضادها و مبارزات میان طبقات، میان احزاب سیاسی و میان گروه‌بندیهای سیاسی داخل کشور اجتناب ورزید، ولی میتوان و باید مبارزاتی را که بحال وحدت و مقاومت در برابر ژاپن زیانمندند، متوقف ساخت (جنگ داخلی، برخوردهای آنتاگونیستی میان احزاب سیاسی، تجزیه کشور به مناطق مستقل، ستم سیاسی و اقتصادی فئودالی از یکسو و سیاست قیام و مطالبات اقتصادی مفرط و مضر بحال مقاومت در برابر ژاپن از سوی دیگر و غیره) و مبارزاتی را که بسود وحدت و مقاومت در برابر ژاپن است، ادامه داد (آزادی انتقاد، استقلال احزاب سیاسی، بهبود شرایط سیاسی و اقتصادی خلق و غیره).

۱۵ - در چارچوب وظایف کلی مبارزه در راه ایجاد جبهه متحد

ملی ضد ژاپنی و جمهوری دموکراتیک متحد ، وظایف ارتش سرخ و مناطق پایگاهی ضد ژاپنی بقرار زیرند :

( ۱ ) برای انطباق با شرایط جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، ارتش سرخ باید فوراً بصورت ارتش انقلابی ملی تجدید سازمان یابد ، و با ارتقاء سطح آموزش نظامی ، سیاسی و فرهنگی خود ، در این جنگ بصورت یک ارتش نمونه درآید ؛

( ۲ ) باید مناطق پایگاهی ما به بخش لاینفکی از تمام کشور تبدیل شوند ، رژیم دموکراتیک تحت شرایط جدید در آنجا بمرحله عمل درآید ، واحدهای امنیت عمومی تجدید سازمان یابند ، خائنین بمیهن و خرابکاران سرکوب شوند تا این مناطق از لحاظ مقاومت ضد ژاپنی و دموکراسی مناطق نمونه گردند ؛

( ۳ ) باید در این مناطق در زمینه ساختمان اقتصادی کار لازم انجام گیرد و شرایط زندگی خلق بهبود یابد ؛

( ۴ ) باید ساختمان فرهنگی لازم بنا شود .

### مسئولیت ما در رهبری

۱۶ - تاریخ چین این قانون را مسجل کرده است که بورژوازی چین که میتواند در شرایط تاریخی معینی در مبارزه علیه امپریالیسم و نظام فئودالی شرکت جوید ، در شرایط تاریخی دیگر ، بعلت ضعف اقتصادی و سیاسی خود گرفتار تزلزل میشود و خیانت میکند . و لذا این حکم تاریخ است که انقلاب بورژوا - دموکراتیک چین علیه امپریالیسم و فئودالیسم وظیفه‌ای است که فقط میتواند زیر رهبری پرولتاریا انجام گیرد و نه تحت

رهبری بورژوازی . بعلاوه نمیتوان بر ناستواری و ناپیگیری ذاتی بورژوازی غلبه کرد و از سقط شدن انقلاب جلوگیری مگر آنکه پایداری و پیگیری پرولتاریا را در انقلاب دموکراتیک کاملاً شکوفا ساخت . آیا پرولتاریا باید بدنبال بورژوازی روان شود یا اینکه بورژوازی بدنبال پرولتاریا ؟ این مسئله مسئولیت رهبری در انقلاب چین عاملی است کلیدی که پیروزی و شکست انقلاب بدان وابسته است . تجربه سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ نشان میدهد که انقلاب با چه موفقیتی پیش میرفت ، هنگامیکه بورژوازی رهبری سیاسی پرولتاریا را دنبال میکرد و چه شکستی نصیب آن میگردد ، وقتیکه پرولتاریا از لحاظ سیاسی بدنباله رو بورژوازی مبدل میشد ( در اینجا حزب کمونیست مسئول بود ) (۱۷) . نباید گذاشت که این واقعیت تاریخی بار دیگر تکرار شود . در وضع کنونی بدون رهبری سیاسی پرولتاریا و حزب او نمیتوان جنبه متحد ملی ضد ژاپنی را ایجاد کرد ، نمیتوان بهدفعهای صلح داخلی ، دموکراسی و جنگ مقاومت نایل آمد ، نمیتوان از میهن دفاع کرد و جمهوری دموکراتیک متحدی بوجود آورد . امروز بورژوازی که گومیندان مظهر آنست ، هنوز بسیار پاسیو و محافظه کار است و دلیل آن هم تردد متمادی او در پذیرفتن جنبه متحد ملی ضد ژاپنی است که حزب کمونیست آنرا پیشنهاد کرده است . این وضع بر مسئولیت پرولتاریا و حزب او در کار رهبری سیاسی می افزاید . انجام وظایف ستاد کل در جنگ مقاومت میهنی مسئولیتی است که حزب کمونیست نمیتواند از زیر بار آن شانه خالی کند ، تعهدی است که نمیتواند از آن طفره رود .

۱۷ - پرولتاریا از راه حزب خود چگونه رهبری سیاسی را بر روی تمام طبقات انقلابی کشور اعمال میکند ؟ اولاً با دادن شعارهای سیاسی اساسی در انطباق با جریان تکامل تاریخ و با دادن شعارهای عمل برای